

## واقع گرایی جغرافیایی و جایگزینی ژئوپلیتیک انسان محور

دکتر محمدحسن نامی<sup>۱</sup>

مدرس دانشگاه

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۸/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۶/۳۰

### چکیده

به طور معمول مکان‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک کلاسیک در راستای ویژگی‌های جغرافیایی با ثبات جهان شکل گرفته است. این نگرش نه تنها در متون رسمی و تحلیل‌های دانشگاهی و استدلال‌های ژئوپلیتیک، بلکه برای سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران برای نشان دادن هویت سیاسی و سیاست ملی نیز مشاهده شده است. تاریخ ژئوپلیتیک حاکی از جایگزینی‌های مداوم در برهه‌هایی بوده که این جایگزینی ژئوپلیتیک در مواردی باعث وحدت در دنیا می‌شود و ثبات در مسائل ژئوپلیتیک نیز می‌تواند یک اشتباه مکرر محسوب گردد.

از این رو واقعیت‌های جغرافیایی و تحولات به وقوع پیوسته در فضای کره زمین نیازمند یک جایگزینی ژئوپلیتیک جدید با محوریت انسان است تا پاسخ‌گوی انتقادهای صورت گرفته در مورد جنگ و ترور، جهانی شدن، محیط زیست و... باشد، این ژئوپلیتیک جدید «انسان محور» است.

در این مقاله سعی شده است تا ضمن انطباق بین مسائل ژئوپلیتیک انسان محور و واقعیت‌های جغرافیایی، بر پیامدهای ناشی از عدم پذیرش حاکمیت و محدودیت‌های جغرافیایی در سیاست‌های کشورهای پرداخته شود.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که جغرافیا یکی از با ثبات‌ترین عوامل قدرت یک ملت است و تکذیب حقایق جغرافیا و عدم پذیرش این نقش صدمات جبران ناپذیری را بر حاکمیت کشورها و کره خاکی فراهم ساخته و باعث تشدید انتقادهای کنونی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** واقع گرایی جغرافیایی، ژئوپلیتیک انسان محور، جهانی شدن، محیط زیست، انتقام جغرافیا

## ۱- مقدمه

عوامل جغرافیائی اعم از طبیعی و انسانی قادرند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر جهت‌گیری‌های سیاسی تأثیرگذار باشند، موضوعاتی از قبیل وسعت، عوامل و عناصر اقلیمی، وضعیت توپوگرافی، منابع طبیعی، جمعیت، سازمان سیاسی فضا، منابع معیشتی و... در این رابطه سهم به سزائی دارند.

با اینکه به طور سنتی ژئوپلیتسین‌ها اهمیت خاصی به عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک داده‌اند. اما حقیقت امر حاکی از تغییرات نامطلوب در وضعیت عمومی سطح کلان سیاره دارد. که این امر ناشی از بی‌توجهی به جغرافیاست. تداخل بین تغییرات محیطی و جوامع انسانی یک سابقه‌ی طولانی و پیچیده‌ای داشته که به چند هزار سال قبل برمی‌گردد. آن‌ها به‌طور مکرر در طول زمان، از مکانی به مکان دیگر تغییر پیدا کردند. واقعیت‌های جغرافیایی همواره در گذر زمان تحولاتی را در ژئوپلیتیک ایجاد نموده است. امنیت نیز زائیده تحولات ژئوپلیتیک است و مسیر حرکت خود را در فرآیند ژئوپلیتیک جستجو می‌نماید، چرا که ژئوپلیتیک اثر محیط و کنش و واکنش پدیده‌های طبیعی را در کانون تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح فراملی مورد بررسی قرار می‌دهد تا راه برتری یافتن و استیلا بر رقبا را برای دولت‌ها هموار نماید. از این رو بسیاری از تحولات مرتبط در یک دوره به سهولت نیاز برای تغییر نگرش و جایگزینی ژئوپلیتیک را توجیح می‌نماید. این وضعیت نیاز به یک تغییر در واژه‌های بخش فضا جدا از جغرافیای سنتی، پدیده اقتصادی و اکولوژیکی دارد که بر ارتباطات و پیوندهای انسانی استوار است. بنابراین برای کشف روابط حاکم برواقعیات جغرافیایی که لزوم جایگزینی «ژئوپلیتیک انسان محور» را فراهم ساخته است، سه بعد از سیاست‌های معاصر را در وسیع‌ترین مقیاس خود حول محور انتقاد می‌گردند را در مورد فرضیه‌های مربوط به جنگ و ترور، جهانی شدن و مفهوم محیط زیست می‌بایست مورد بررسی قرار دهیم.

## ۲- اهمیت تحقیق

بدیهی است دولت‌ها به‌تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیائی و ژئوپلیتیک و نیز تحت تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاصی را به منظور تأمین اهداف خویش برمی‌گزینند. از این رو موقعیت و شرایط ژئوپلیتیک بسیار حائز اهمیت و تعیین‌کننده است. ژئوپلیتیک در برهه‌هایی از زمان دچار تحولات زیادی شده است و با وقوع بسیاری از تحولات نظیر پایان جنگ سرد، رویداد ۱۱ سپتامبر و... شرایط جایگزینی ژئوپلیتیک را فراهم ساخته است. در هر دوره‌ای برخی از مفاهیم از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند. بنابراین شناخت ویژگی‌های ژئوپلیتیک جایگزین با رویکرد انسان محوری و انطباق واقعیت‌های جغرافیایی در این شرایط از ویژگی‌ها و نکات حائز اهمیت این پژوهش می‌باشد.

## ۳- فرضیه

الف- به‌نظر می‌رسد انتقادهای موجود در خصوص روند حاکم بر کره خاکی، شرایط جایگزینی ژئوپلیتیک را فراهم ساخته است تا مفاهیم ژئوپلیتیک رویکردی انسان محور پیدا کند.

ب- به‌نظر می‌رسد ژئوپلیتیک انسان محور با واقع‌گرایی جغرافیایی منطبق باشد.

#### ۴- روش تحقیق

این مقاله با رهیافت واقع‌گرایی، روشی توصیفی داشته و مبتنی بر استدلال و تحلیل است. روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است و پس از طبقه‌بندی اطلاعات، تحلیل و تجزیه آنها به‌طور عمده از طریق توصیف انجام شده است.

#### ۵- ژئوپلیتیک انسان محور

ژئوپلیتیک انسان محور متأثر از انتقادهایی است که سه بعد از سیاست‌های معاصر را مورد هدف قرار داده است. این ابعاد عبارتند از: نظیر جنگ و ترور، جهانی‌شدن و محیط زیست (Dallby, 2007, p1). با قرار گرفتن این سه موضوع کنار یکدیگر، انتقادهای مداوم را در مقولات ژئوپلیتیک با واقعیت‌های جغرافیایی و انسان معاصر را توجیح می‌نماید. از این رو لازم است که هر کدام از این ابعاد مجزا مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۵-۱) جنگ و ترور

جدا از سابقه دیرینه جنگ، تروریسم مفهومی است که در حال حاضر وارد ادبیات سیاسی و ژئوپلیتیک شده است. اصطلاحی که بر سر استفاده از آن میان حکومت‌ها یا تحلیل‌گران دانشگاهی اتفاق نظر وجود ندارد، اما به‌طور تقریبی به شیوه‌های گوناگون به تعبیری منفی بکار می‌رود. اصطلاح تروریست جنگنده راه آزادی است (احمدی، ۱۳۸۱، ص ۸۰۸) کلمه تروریسم<sup>۲</sup> به معنی ترس و ترساندن است، در زبان فارسی این کلمه به اصلی اطلاق می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع شود، اما اصطلاحات دیگری نیز در این خصوص وجود دارد که اشاره به آنها اجتناب ناپذیر است نظیر تروریسم دولتی<sup>۳</sup>، این اصطلاح به دخالت دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی و یا خارجی دولتی دیگر، که به منظور ایجاد رعب و وحشت، از طریق اجرا و یا مشارکت در عملیات تروریستی، و یا حمایت از عملیات نظامی، به منظور زوال، تضعیف، و براندازی دولت مذکور و یا دستگاه رهبری آن صورت می‌گیرد.<sup>۴</sup> (احمدی دهکاء، ۱۳۸۶، ص ۳۶). حمله تروریستی به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و بدنبال آن حمله ایالات متحده به افغانستان و سپس عراق زمینه تحولات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در سطوح منطقه‌ای و جهانی را فراهم کرده است. این حادثه موجب تحول در نظام بین‌الملل، ظهور بازیگران جدید خارج از حوزه دولت - ملت گردید؛ علاوه بر آن موجب بازگشت قدرتمندانه نقش دولت ملی در زمانی شد که بسیاری از تضعیف یا حتی فروپاشی آن سخن می‌گفتند، در این راستا جنبه‌های سخت‌افزاری قدرت نیز تقویت شده و جنگ‌های مدرن که طرف‌های دیگر آن بازیگران بدون مرز هستند، به وقوع پیوست. بر این اساس بازیگران بدون مرز و فراملی به عنوان تهدیدی نامتقارن برای امنیت ملی کشورها مطرح شده و چالش‌هایی برای دولت‌های ملی ایجاد کرده‌اند. با توجه به رویدادهای فراموش نشدنی یازده سپتامبر در زمانی که هواپیماهای ربوده شده به دو برج مرکز تجارت جهانی در نیویورک حمله کردند، ناگهان آمریکا درگیر یک جنگ شدید شد. چیزی که به نظر می‌آمد از یک جهت یا جهاتی دیگر «جهانی» باشد. متحدان آمریکا با سرعت تعجب‌آوری در هفته‌های بعد تغییر موضع دادند. روسیه و آمریکا اکنون متحدانی برای یک جنگ جدید علیه تروریسم

<sup>۲</sup>) Terrorism

<sup>۳</sup>) State Terrorism

<sup>۴</sup>) <http://www.yahood.net/Book/trorism1/3.htm>

شدند. پاکستان به خاطر فعالیت‌های سلاح‌های هسته‌ای تحت تحریم قرار داشت که به‌ناگهان با وجود ناراحتی‌های قابل ملاحظه بسیاری از شهروندان و بعضی افسران ارتش، جزو دوستان جدی در کنار ایالات متحده قرار گرفت. افغانستان مورد حمله قرار گرفت، زیرا مایل نبود تقاضای یک طرفه آمریکا را بپذیرد. تمام این حوادث برای رسانه‌های آمریکا، که به بینندگان خود اطمینان می‌دادند، جدید بود (Dallby, 2007, p5). در واقع این تحولات و مفاهیم حاکی از نوعی جایگزینی ژئوپلیتیکی است.

## ۲-۵) جهانی شدن

بعد از فروکش کردن جنگ سرد در اروپا طی اولین سال‌ها، بیشتر مفسران دچار سردرگمی بودند که چگونه رویدادهای پس از جنگ سرد را تفسیر نمایند، بدین ترتیب، آن را یک دوره‌ی جدید برای یک ارتباط و تحولاتی که بعد از آن خواهد آمد تعریف نمودند، تا اواسط سال‌های ۱۹۹۰م وازه‌ی جهانی شدن بین رهبران مشاغل به عنوان یک توجیح در توسعه تجارت بین‌المللی مشهور گشت (Steger, 2005, p11). در واقع جهانی شدن یک چارچوب ایدئولوژیک را برای اشکال مختلف نئولیبرالیسم ارائه نمود (Harvey, 2006, p145). در این دوره ارتباطات توانسته است حساسیت‌های فرهنگی را از طریق تلویزیون، ماهواره، ارتباطات آسان در فضای مجازی و رشد صنعت گردشگری بین‌المللی تغییر دهد و در حال حاضر این اینترنت است که توانسته بخش‌های زیادی از دنیا و مردم‌شان را با هم مرتبط کند (Dallby, 2007, p4). از این رو جریان‌های مالی جهانی و تصمیم‌گیری‌های متعدد درباره‌ی بسیاری از کارهای صورت گرفته بدون توجه به مرزهای ایالتی در حال تغییر کردن است (Sassen, 2006, p34). اکنون اینگونه تصور می‌شود که در یک عصر جهانی زندگی می‌کنیم (Albrow, 1997, p95). بنابراین در این عصر می‌بایست ویژگی‌های خاصی را در مسائل ژئوپلیتیکی متصور بود. کما اینکه مفاهیم همانند جهانی شدن، تروریسم، محیط زیست و... در فرآیند زمان در ادبیات ژئوپلیتیکی وارد گشته‌اند. در واقع این تحولات و مفاهیم نیز حاکی از نوعی جایگزینی ژئوپلیتیکی است.

## ۳-۵) محیط زیست

مهمترین مسائل زیست محیطی دنیای امروز عبارتند از: آلودگی اتمی و گرم شدن کره زمین، تخریب لایه ازن، کاستی منابع آب شیرین، کاستی خاک و توسعه صحرا، آلودگی هوا و باران اسیدی، فصولات سمی، تخریب جنگل و تنوع زیستی (Braden & Shelly, 2000, p104). البته فرآیندهای صنعتی، کاربری زمین و آلودگی‌های ناشی از سوخت‌های فسیلی نیز در زمره این تهدیدات قابل بررسی است. تهدیدات زیست محیطی کروی تاکنون حساسیت بین‌المللی را برانگیخته و تدابیری از قبیل تشکیل کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه در ریودوژانیروی برزیل سبب شده است (Dalby, 1998, p181). تهدیدات زیست محیطی در زمان جنگ تأکید بر سلاح‌های کشتار جمعی، هسته‌ای- اتمی و شیمیایی خواهد داشت در حالی در زمان صلح نگاه ویژه‌ای به تخریب محیط زیست و مسائل زیست محیطی دارد زیرا اثرات تخریب محیط زیست دامنه این کشور را در بر نگرفته و بردی منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و همگان از اثرات مخرب آن تهدید می‌شوند.

جنگ‌های غیر متعارف همواره تأثیر منفی بر محیط زیست داشته است. با وجود این، جای تعجب است که اخیراً ابعاد تخریب غیر عمده‌ی محیط زیست بر اثر عملیات جنگی افزایش پیدا کرده است. بی‌شک، فرض بر این است که جنگ

تسلیماتی می‌تواند به شدت محیط زیست جهانی را برهم زند و زمستان هسته‌ای می‌تواند آب و هوا را در سطح جهان تغییر دهد و باعث خالی شدن شدید لایه ازن گردد (Lanier Graham, 1993, p51). چهار نوع تأسیسات انسانی وجود دارد که می‌تواند تهدیدهای بالقوه‌ای برای محیط زیست داشته باشد. این تأسیسات عبارتند از: هسته‌ای، شیمیایی، سوختی و سدهای آبی. برخی از مثال‌های تخریب سدها و موانع خاکی می‌تواند موجب راه افتادن سیل شود (Schweizer, 1990, p17). یا تخریب تأسیسات صنعتی مثل رآکتورهای هسته‌ای، کارخانه‌های شیمیایی یا تأسیسات نفتی می‌تواند محیط را در دراز مدت آلوده کند (Kellner, 1992, p250). عدم توجه کافی به واقعیت‌های جغرافیایی در گذر زمان این‌گونه تهدیدات زیست محیطی را به وجود آورده است. از این رو این فرآیندها لزوم جایگزینی ژئوپلیتیک که این تهدید را بر طرف سازد، می‌طلبد.

#### ۶- انطباق واقع‌گرایی جغرافیایی و ژئوپلیتیک انسان محور

اهمیت و مرکز توجهات عصر ما روی انرژی بوده که در حال حاضر به‌طور نامناسبی اکولوژی‌های غیر طبیعی شهری را به‌طور قابل توجهی سرگرم تغییر بیوسفر کرده است. خشونت در منطقه‌ی خلیج فارس با اینگونه کارها مرتبط است. زیرا انرژی منطقه چه از نظر سوخت برای تغییر در زندگی معاصر انسان، یعنی زمانی که وارد کوره‌ها و موتورهای احتراقی می‌گردد، مهم است. این درحالی است که این واقعیت ترکیب اساسی اتمسفر قاره را تغییر می‌دهد که از از جهاتی باعث تغییر شرایط زندگی انسان خواهد گشت. موارد استفاده متعدد دیگری هم از محصولات نفتی وجود دارند و مصرف بالای سوخت‌های کربنی در محصولات بتنی، تولید برق و گرمایش فضا، مهم می‌باشند و زیرساخت‌هایی نظیر بزرگراه‌ها، جاده‌ها، تولید اتومبیل که عنصر کلیدی در یک کشور محسوب می‌شوند در کنار رشد اقتصادی در قرن بیستم شکل گرفته‌اند، از این رو تمرکز روی فرهنگ ماشینی باقیمانده است (Paterson, 2007, p22). ولی باردیگر که زبان ژئوپلیتیک، علوم فضایی و دانش‌های معاصر برای سازماندهی بهتر دنیا و سهولت بخشیدن بیشتر به ابزار هویت خود و علائق ما به دنیا و خارج از رشته‌ای که متون جدید زندگی ما در آن جای دارند، به وجود آمده است (Dallby, 2007, p10).

نه در سطح اندک، جغرافی‌دانان در برخی از مقاطع زمانی اشاره به فرضیات جغرافیایی قدیم خارج از محیط‌زیست یا جدا از وجود انسان، داشتند، درحالی که تفکری درباره‌ی موضوعات مربوط به طبیعت به صورت یک فرضیه‌ی منطقی وجود ندارد (Costree & Braun, 2001, p11). در تمام مقیاس‌ها وجود انسان، طبیعت را دچار دگرگونی کرده، گویی که انسان‌ها را تغییر داده است. اگر محیط به صورتی که هست، دیگر تصور نشود و جایی جدا از زندگی بشر باشد، در این صورت مکان ما در طبیعت یک موضوع برای انتقاد خواهد بود. اکنون مکانیزم‌های وادارنده‌ی انسان محوری درحال انجام دادن فرآیندهایی در بیوسفر به شکل جدید خود و به گونه‌ای پیش بینی شده هستند (Steffan, 2004, p6). ما از بعدی بدون اغراق هوا و در یک مقیاس بسیاری دیگر از فرآیندهای فیزیکی بیوسفر را تغییر می‌دهیم و دانشمندان علوم زمین شناسی را وادار نموده که بیان نمایند ما در حال حاضر در یک دوره‌ی ژئولوژیکی جدید به سر می‌بریم که انسان محور نامیده می‌شود (Crutzen, 2002, p23).

تداخل بین تغییرات محیطی و جوامع انسانی یک سابقه‌ی طولانی و پیچیده‌ای داشته که به چند هزار سال قبل بر می‌گردد. آنها به‌طور مکرر در طول زمان، از مکانی به مکان دیگر تغییر پیدا کردند. با وجود اینگونه تفاوت‌های موقتی و فضایی در سال‌های اخیر با ظهور یک بعد جهانی توانسته چارچوبی را برای یک رشد تحقیق درون علوم محیطی به وجود آورد. موارد بحرانی در قبال ظهور این پدیده نمایان شدن دو بعد اساسی از ماهیت سیاره بود. اولین مورد این بود که خود زمین به عنوان یک سیستم مجزا است که در آن بیوسفر یک جزء ضروری فعال به شمار می‌آید. در مفهوم آنالوژی ورزش، زندگی همانند یک بازیکن است نه یک تماشاچی. دومین مورد اینکه اکنون فعالیت‌های انسان بسیار نفوذکننده و عمیق در پیامدهای آن است به‌طوری که توانسته در زمین در یک مقیاس جهانی، تداخل و به صورت شتابزده اثر بگذارد. اکنون انسان این توانایی را دارد تا سیستم زمین را در مسیرهایی که تهدید کننده‌ی هر فرآیندی هستند، چه از بعد زیستی و چه از بعد غیر زیستی که بستگی به شرایط انسان دارد، تغییر دهد.

تمام مباحث فوق به‌طور واضح بیانگر این است که ما نیاز به یک تفکر مجدد از هویت‌های خود به‌عنوان عامل تغییر دهنده داریم که در فرآیند درک نقش انسان در یک نظم بزرگ‌تر از امور در شیوه‌های جدید لازم هستند. آیا می‌توان فکر کرد که ذوب شدن در یک حالت جدید از فرآیند زمین‌شناسی مجازی است؟ آیا می‌توان فکر کرد که این یک تخریب بزرگ از محیط زیست نمی‌باشد که انسان آن را در یک عمل شتابزده قبول نموده است که در نهایت می‌تواند موجب از دست رفتن بسیاری از گونه‌ها گردد؟ مثال دیگر یک رخداد عمده‌ی زمین‌شناسی مشابه تغییراتی است که منجر به نابود شدن دایناسورها گشته، رویدادی که مشخص‌کننده‌ی یک مرحله عبور از دوره‌های زمین-شناسی به شماری از دوره‌های دیگر در گذشته بوده است. آیا می‌توان تصویری از تبدیل گسترده سوخت‌های فسیلی به دی‌اکسیدکربن داشت و به‌طور کلی سنگ‌ها را در یک مقیاس سیاره‌ای به هوا تبدیل نمود. این همان چیزی است که در حال انجام است. حفاری‌های انسان به عنوان عوامل شناسایی ظاهر و نمای زمین از معادن و معادن سنگ و حمل اینگونه مواد استخراج شده به تمام نقاط دنیا در تانکرها، کشتی‌ها یا هواپیماهای باری، کانال‌های عبوری، قطارها و کامیون‌ها، اکنون فرآیندهای طبیعی کوتاه‌شده می‌باشد. انتقاد موجود در ژئوپلیتیک تأکید بر اهمیت حرکات جدی برای یک علوم فضایی از طریق طرز تفکر سیاسی دارد.

#### ۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تداخل بین تغییرات محیطی و جوامع انسانی یک سابقه‌ی طولانی و پیچیده‌ای داشته که به چند هزار سال قبل بر می‌گردد. آنها به‌طور مکرر در طول زمان، از مکانی به مکان دیگر تغییر پیدا کردند. واقعیت‌های جغرافیایی همواره در گذر زمان تحولاتی را در ژئوپلیتیک ایجاد نموده است. بنابراین این فرضیه با مستندات تاریخی که مسئله‌ای اثبات شده است، قابل توجیح است، اما عدم توجه به واقعیات جغرافیایی تهدیدات زیست محیطی، جنگ و ترور را به شیوه‌ای دیگر ادامه داده است. از این رو تحولات بین‌المللی و جهانی شدن که همگی انتقادهای جهانی را به همراه داشته است، روند حاکم بر کره خاکی، شرایط جایگزینی ژئوپلیتیک را فراهم ساخته است تا مفاهیم ژئوپلیتیک رویکردی انسان محور پیدا کند. در واقع پدیده‌هایی نظیر جهانی شدن یک مفهوم انتزاعی است که برای مشخص کردن روند کلان فعالیت‌های فنی، علمی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی- اجتماعی، امنیتی و زیست محیطی در سطح

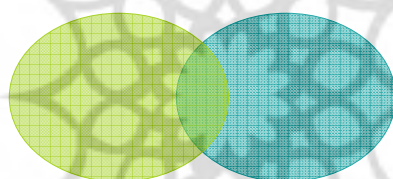
جهان وضع شده است (عیوضی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۹). مسئله‌ای که می‌بایست در فرآیند جهانی شدن در نظر داشت، وجوه فرهنگی جهانی شدن می‌توان به‌طور جدی تأمل کرد که انسان را در بستر نظام فرهنگی - اجتماعی‌اش مورد مطالعه قرار داد. زیرا در برهه کنونی محوریت با انسان است نه با شرق و غرب (عیوضی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰). از آنجا که موتور محرکه پدیده جهانی شدن چه در معنای مثبت و چه در معنای منفی آن یکی علم است و دیگری منافع و عملاً سود اقتصادی با رشد علمی گره خورده است. بنابراین در یک تحلیل می‌توان سود اقتصادی را تغییر مستقل دانست و تحولات نظام‌های فرهنگی را متغیر وابسته آن (عیوضی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱) در فرآیند جهانی شدن ارتباطات میان فرهنگ، دولت ملت و سیاست تابع مدل زیر خواهد بود.

مدل شماره ۱: ارتباطات میان فرهنگ، دولت - ملت و سیاست در فرآیند جهانی شدن

**فرهنگ**                      **دولت - ملت**                      **سیاست**

جامعه‌ای آگاه و ارزشی

تابعیت با آگاهی  
بجای پیروی محدود



فرهنگ جهانی  
بجای فرهنگ

ماهیت اقتصادی تکاپوی جهانی شدن پیشاپیش روشن می‌سازد که منافع اقتصادی قابلیت ارزش‌آفرینی ندارند، حال آن‌که نفوذ انسان‌ها در طول تاریخ، اندیشه و ماهیت انسانی بوده است. از این رو تاریخ ژئوپلیتیک حاکی از جایگزینی‌های مداوم در برهه‌هایی بوده که این جایگزینی ژئوپلیتیک در مواردی باعث وحدت در دنیا می‌شود و ثبات در مسائل ژئوپلیتیک نیز می‌تواند یک اشتباه مکرر محسوب گردد.

جغرافی‌دانان در برخی از مقاطع زمانی اشاره به فرضیات جغرافیایی قدیمی خارج از محیط‌زیست یا جدا از وجود انسان، داشتند. در حالی که موضوعات مربوط به طبیعت به صورت یک فرضیه‌ی منطقی وجود ندارد. در تمام مقیاس‌ها وجود انسان، طبیعت را دچار دگرگونی کرده، گویی که انسان‌ها را تغییر داده است. در واقع این پدیده عمدتاً از زمانی آغاز شد که انسان خود را از طبیعت جدا دانسته و سعی کرد بر آن سلطه پیدا کند (میرحیدر، ۱۳۸۴، ص ۲۰).

این مسئله نه تنها با طبیعت بلکه در کنش‌های انسانی نیز تأثیرگذار بوده است یکی از این کنش‌ها در عرصه سیاست در فرآیند دولت و ملت‌سازی است. به‌طور نمونه اگر نگاهی گذرا با هلال حاصلخیز میان فلات ایران و دریای مدیترانه، داشته باشیم جزء مناطق نامشخص جغرافیایی‌اند که تا قرن بیستم مفهوم ناچیزی داشتند، هنگامی که خطوط رسمی نقشه پاک شود، شاخه‌هایی از شیعیان و سنیان هستند که با مرزهای ملی در تضادند. از میان تمام ایالات واقع در هلال حاصلخیز از منطق جغرافیایی بی‌بهره‌اند. جهان کنونی جهانی است با چنین تضادهای که از منطق جغرافیا فاصله گرفته‌اند. نقشه ذیل این منطقه را به خوبی نشان می‌دهد.



نقشه شماره ۱: هلال حاصلخیز

انتقام جغرافیا اصطلاحی است که به وسیله استناد وقایع تاریخی در مورد تأثیر جغرافیا بر تحولات بین‌المللی به کار برده و تأکید نموده است که جایگاه ژئوپلیتیکی کشورها، آنها را قادر خواهد ساخت برای رسیدن به اهداف برنامه ریزی شده و قدرت ملی در مقایسه با کشورهای پیرامونی خود تدابیر لازم را بیندیشد. به عبارت دیگر، یکی از با ثبات‌ترین عوامل قدرت یک ملت را جغرافیای آن کشور بوده و در نهایت تکذیب حقایق جغرافیا و عدم پذیرش جغرافیا، بلایایی را برای آن کشورها خواهد داشت (دی کاپلان، ۱۳۸۸، ص ۹۹). بنابراین به نظر می‌رسد ژئوپلیتیک انسان محور با واقع‌گرایی جغرافیایی منطبق است و عدم توجه به جغرافیا پیامدهای بسیار زیاد داشته و به عبارت دیگر این پیامدها ناشی از انتقام جغرافیاست.

### منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۱). «فرهنگ علوم سیاسی». تهران: انتشارات میزان.
- احمدی دهکاء، فریبرز (۱۳۸۶). «چالش‌های دولت از منظر جغرافیای سیاسی». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، شماره دهم، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- دی‌کاپلان، رابرت (۱۳۸۸). «انتقام جغرافیا». ترجمه بهزاد ناجی. فصلنامه نگاه ۲، سال دوم، شماره چهارم، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.



- عیوضی، محمد رضا (۱۳۸۲). «رویکرد سیستماتیک در توضیح چالش‌های فرهنگی جهانی شدن». *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال هفدهم، شماره نهم و دهم، تهران: انتشارات موسسه اطلاعات.
- میرحیدر، دره (۱۳۸۴). «سیاست و محیط زیست». *مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران* تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- Albrow, M(1997). **The global age: State and society beyond modernity**. Stanford, CA: Stanford University press.
- Braden, Kathleen.E & Shelly,Fred.M(2000). **Engaging GeoPolitical**. England: Pearson Education Limited.
- Casstree,B & Braun B (2001) **Social nature: theory, practice, and politics**. Oxford, UK: Blackwell.
- Crutzen, P, J (2002) *Geology of Mankind*. Nature. Links.
- Dalby, Simon (1998). **The Geopolitics Reader**. edited by O Tuatail, Dalby and Routledge, London: Routledge.
- Dalby, Simon(2007) *Anthropocene Geopolitics: Globalization, Empire, Environment and Critique*. Geography Compass. Digital Object identifier: Carlton University.
- Harvey, D (2006) *Neoliberalism as creative destruction*. Geografiska Annaler B,
- Kellner, Douglas (1992). "The Persian Gulf TV War" Boulder, Colo: West view Press.
- Lanier Graham, Susan D (1993). "The Ecology of War: Environmental Impact of vapory and war", New York.
- Sassen, S (2006) **Territory, Authority, rights: form medieval to global assemblages**. Princeton, NJ: Princeton University press.
- Schweizer, Peter(1990). **The Spigot Sterategy** New York: New York Times 11 November.
- Steffen, W. et al. (2004). **Global change and the earth system: a planet under pressure**. New York: Springer-Verlag.
- Steger, M. (2005). Ideologies of globalization. *Journal of Political Ideologies* 10 (1), pp. 11-30.